

عنوان مقاله:

چالش گادامر و هرش بر سر معیار درستی تفسیر

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 10، شماره 39 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

حمیده ایزدی نیا - دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تبریز

اصغر واعظی - دانشیار فلسفه دانشگاه شهیدبهشتی

خلاصه مقاله:

هرش بر این باور است که نظریه هرمنوتیکی گادامر به پلورالیسم و نسبی‌ت‌انگاری میانجامد. هرش به پیروی از عالمان هرمنوتیکی رمانتیک هدف خوانش متن را دستیابی به قصد مولف میداند، اما در نظر گادامر، فهم عبارت‌استاز تفاهم و توافق با دیگری، نه کشف قصد و نیت دیگری. بنابراین هرش معتقد است معنای متن از قبل تعیین‌افته است و هدف از خوانش متن کشف این معناست. اما در نظر گادامر معنا از طریق دیالوگ میان مفسر و متن تولید می‌شود و در نتیجه هیچ معنای از قبل تعیین‌افته‌ای وجود ندارد. بر پایه این نگرش، گادامر زبان و امکانات آن را شرط تعیین معنا میداند، ولی هرش بر این باور است که زبان صرفاً شرط آشکارگی معناست. هرش از سوی دیگر گادامر را متهم به بیمعباری میکند. وقتی معنا امری نامتعیین شد دیگر هیچ معیاری برای تمییز تفسیر درست از تفسیر نادرست وجود ندارد. در این مقاله بر آنیم تا ضمن طرح سه انتقاد اساسی هرش به گادامر، پاسخ آنها را از منظر شارحان و مدافعان گادامر بیان نماییم.

کلمات کلیدی:

فهم، زبان، قصد مولف، معنای لفظی، معنا برای ما، معی ار اعتبار، خطاپذیری، موقعیت‌مندی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/603040>

